

تأملی بر ضمایر متصل

مقدمه

تقابل اندیشه‌ی منتقدان ادبی و زبان‌شناسان به بیش از دو دهه می‌رسد. سازش ناپذیری این دو گروه گاه منجر به مجادله‌ی سرسختانه شده است. رومن یو کوپسن در سال ۱۹۵۸ م. به نوعی این تقابل را مطرح کرده و مدعی شده است که «شعرشناسی را باید مکمل زبان‌شناسی دانست».

(زبان‌شناسی و نقد ادبی)

البته بی‌شک نیز مدعی بود که زبان‌شناسی ماهیتی علمی دارد، حال آن‌که ادبیات به قول او ماهیتی ذاتاً ذهنی دارد که از طریق علم نمی‌توان به آن دست یافت (همان).

در این مقاله نگارنده به این سؤال که آیا می‌توان زبان‌شناسی را در ادبیات به کار برد یا خیر و پاسخ به آن نپرداخته بلکه بیش‌ترین تلاش بر آن بوده که، با توجه به ابهامات و تناقضاتی که در باب تکواژ و انواع آن در کتاب‌های زبان‌شناسی مطرح شده است، به جمع‌بندی و ارائه‌ی برخی نکات درباره‌ی آن پردازد.

عموماً زبان‌شناسان در مطالعه‌ی زبان به چند جنبه‌ی آن توجه دارند:

۱. دستوری که به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) «نحو» یعنی بررسی روابط ساختاری و صوری میان واژه‌ها و عناصر زبانی در سطح جمله. این حوزه به مطالعه‌ی امکانات و شیوه‌های کلمات برای ساختن عبارات و جملات می‌پردازد.

ب) «صرف»؛ یعنی شناخت تکواژها و واژه‌ها، و ترکیب و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای ساختن واژه‌ها. این مبحث، واژه‌شناسی یا صرف را به وجود می‌آورد و به هر دو مبحث (الف و ب) توأماً «دستور» می‌گویند.

۲. واج‌شناسی: علمی است که به بررسی و توصیف نظام و الگوهای واجی می‌پردازد و در واقع دانش ناخودآگاهی را که اهل یک زبان درباره‌ی الگوهای آوایی زبان خود دارند توصیف می‌کند.

۳. معناشناسی: مطالعه‌ی معنای واژه‌ها، عبارات، جملات و ویژگی‌هایی در روابط معنایی آن‌هاست، که شامل موارد زیر است: الف) هم‌معنایی (ترادف)، ب) تضاد، ج) مشمول معنایی؛ مثل درخت و کاج، د) هم‌آوایی (خار-خوار)، ه) هم‌نامی مثل شیر (حیوان) شیر (آب) شیر (خوردنی)، و) چندمعنایی؛ مثل تند در معنی سریع و تند در رفتار تند.

مسلماً مبحث تکواژ و انواع آن در حیطه‌ی دستور، آن هم بخش صرف، مطرح می‌شود.

غلامعلی زاده در «ساخت زبان فارسی»

تکواژ را این‌گونه تعریف کرده است: کوچک‌ترین سازه‌های معنادار واژه، یا به عبارت دیگر، آن سازه‌ی واژه که دیگر نتوان

تکواژ چیست؟

به نظر می‌رسد تعریفی که از تکواژ در کتاب‌های زبان‌شناسی ارائه شده است مکمل هم باشند.

چکیده

نگارنده در این مقاله کوشیده است جایگاه ضمایر متصل را در دسته‌بندی انواع تکواژ آزاد یا وابسته، دستوری یا قاموسی مشخص نماید و با مطالعه‌ی کتاب‌های مختلف زبان‌شناسی و جمع‌بندی نظریات آنان به نتیجه‌ای جدید برسد.

کلید واژه‌ها

تکواژ، واژه، تکواژ اشتقاقی، تکواژ تصریفی، وابسته، آزاد

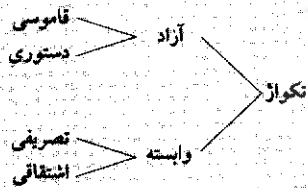


زیلت مشایخ

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس مراکز تربیت معلم و ضمن خدمت و پیش‌دانشگاهی نوشهر



یک واژه به کار رود و قابل تقسیم به اجزای کوچک تر نیست و تکواژ وابسته به آن دسته از تکواژهایی گفته اند که به تنهایی نمی توانند در جمله به کار روند. اختلاف نظر اغلب زبان شناسان درباره ی تقسیمات فرعی بعد از این یا نوع آن است. به طور معمول نمودار تقسیم بندی تکواژها این گونه است:



این تقسیم بندی، که اساس کار درس دبیرستان نیز هست، قابل تأمل است. زیرا در این تقسیم بندی و تعریفی که از هر کدام از شاخه های آن می شود جایگاه کسره ی اضافه، ضمائر متصل، مخفف فعل های ربطی، حتی فعل کمکی خیلی روشن نیست.

هر چند محدودیت واج ها را ندارند اما با قاطعیت نمی توان گفت که یک زبان خاص چند تکواژ دارد.

اصولاً یک زبان زنده تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی یا فرهنگی متحول می شود. این تحول اغلب به معنای ساخت تکواژها یا واژه های جدید به تناسب نیازهای جدید است و حذف یا متروک شدن تکواژها کم تر مورد نظر است.

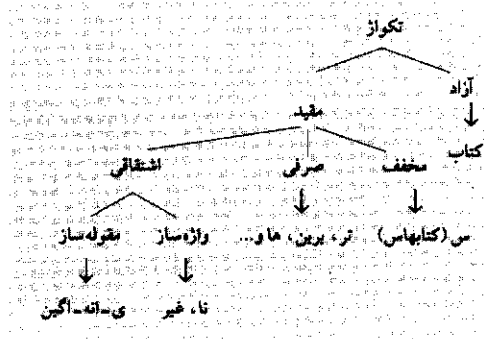
انواع تکواژ:

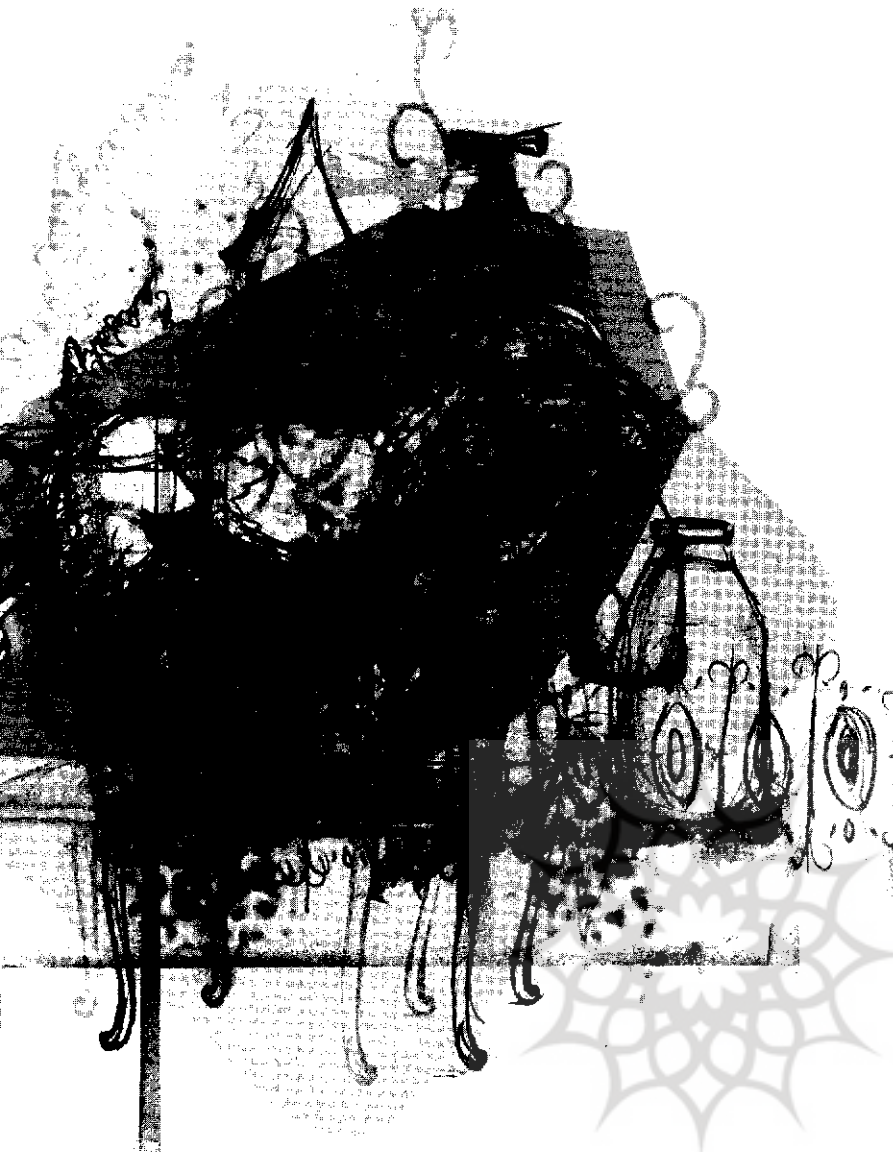
تکواژهای هر زبان به دو دسته ی آزاد و وابسته تقسیم می شوند. این تقسیم بندی را تقریباً عموم زبان شناسان پذیرفته اند و در تعریف آن گفته اند که تکواژ آزاد کوچک ترین واحد زبانی است که می تواند به تنهایی به عنوان

آن را به سایر سازه های معنادار تجزیه کرد. غلامرضا عمرانی و هامون سبطی در «راهبردهای یاددهی و یادگیری» نیز چنین تعریف کرده اند: تکواژ کوچک ترین واحد معنایی یا دستوری زبان فارسی است. ویکتوریا فرامکین و رابرت رادمن هم گفته اند: تکواژ نشانه ی کمینه ی زبانی و یک واحد دستوری است که اتحاد اختیاری یک صوت و یک معنی است و نمی توان دیگر آن را به اجزای کوچک تری تقسیم کرد. (درآمدی بر زبان شناسی همگانی)

از تعاریف بالا می توان نتیجه گرفت که تکواژ در حقیقت کوچک ترین واحد معنادار یا معنا ساز یا دستوری زبان فارسی است؛ مثل میز، «مند» در کارمند، علامت های جمع و حروف اضافه و غیره.

البته تعداد تکواژهای هر زبان از تعداد واج های آن بیش تر است. زیرا واج های هر زبان مشخص و محدودند اما تکواژها





ایشان تقسیم‌بندی تکواژها را، از دیدگاه دیگر، دو دسته‌ی دستوری و قاموسی دانسته و در تعریف تکواژهای دستوری آورده است که پدیدارشان در جمله به لحاظ الزامات نحوی است؛ مثل حروف اضافه، کسره‌ی اضافه و کلیه‌ی تکواژهای تصریفی. هم‌چنین «تکواژهای قاموسی» را آن‌هایی می‌داند که پدیدارشان در جمله به سبب افزودن معنا بر آن باشد. این تکواژها معمولاً تکواژهای آزاد، یا به عبارت دیگر، واژه‌ها به شمار می‌آیند و در آن صورت آن‌ها را واژه‌های دستوری و قاموسی می‌نامند.

از آن‌جا که تعداد تکواژهای تصریفی در زبان فارسی محدودتر از وندهای اشتقاقی است، به اختصار، فهرست آن‌ها در زیر آورده می‌شود:

۱. شناسه‌های فعل، ۲. نشانه‌های جمع، ۳. ی نکره، ۴. ی وحدت، ۵. علامت صفت تفصیلی و عالی «تر» و «ترین»، ۶. می در آغاز فعل، ۷. ب در آغاز فعل، ۸. «ن» نفی در آغاز فعل، ۹. باء تأکید بر سر بعضی از افعال ماضی، ۱۰. الف زیبایی یا به اصطلاح دستورنویسان الف جوابیه در «گفتا»، ۱۱. پسوند م و مین در صفات شمارشی ترتیبی و...

در این صورت، هر تکواژ وابسته‌ی دیگری جزء تکواژهای اشتقاقی محسوب می‌شوند.

ضمایر متصل تکواژ وابسته یا آزاد؟

اگر تعریف تکواژ وابسته را، که عموم زبان‌شناسان می‌پذیرند، مرور کنیم می‌بینیم در اغلب آن‌ها یک اصل مشترک وجود دارد و آن این است که تکواژهای وابسته مستقل و تنها به کار نمی‌روند. البته این استقلال قابل بحث و تأمل است. اما تعریفی که ابوالحسن نجفی در «مبانی زبان‌شناسی»

درباره‌ی تکواژهای دستوری و قاموسی می‌دهد قابل توجه است. زیرا تقریباً می‌توان از این تعریف ملاکی برای تشخیص تکواژ دستوری و قاموسی به دست آورد.

ایشان در تعریف تکواژهای دستوری و قاموسی می‌گوید: تکواژهای هر زبان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه محدود و نامحدود. مثلاً نشانه‌های جمع در فارسی دری متعلق به گروهی است که دو عضو بیش‌تر ندارد (ها و ان)، هم‌چنین تکواژ صفر، کسره‌های اضافه، افعال اسنادی و ضمایر ملکی که به گروهی متعلق است که شش واحد دارد (ام-ت-ش-مان-تان-شان). ایشان همه‌ی این موارد را در دسته‌بندی گروه محدود جای می‌دهد و در ادامه‌ی آن می‌گوید اسم، صفت و فعل

گروه‌های نامحدود را تشکیل می‌دهند. بدین معنی که اولاً تعداد آحاد آن‌ها عملاً بی‌شمار است، ثانیاً این آحاد می‌توانند بیش‌تر یا کم‌تر شوند.

با توجه به تعریف فوق می‌توان این نتیجه را گرفت که تکواژهای آزاد دستوری، از نظر تعداد محدود ولی از نظر بسامد و کاربرد، بیش‌ترند. در حالی که تکواژهای قاموسی، از نظر تعداد نامحدود ولی از نظر بسامد و کاربرد، کم‌ترند. بنابراین در یک ستون روزنامه قطعاً حروف اضافه، حروف ربط، کسره‌ی اضافه، افعال اسنادی حتی گاهی بیش‌تر از چندبار دیده می‌شوند، اما واژه‌هایی نظیر «مداد» «میز» ممکن است در همان ستون حتی برای یک بار هم نیامده باشند.

چنانچه ملاک ابوالحسن نجفی را درباره‌ی تکواژهای دستوری و قاموسی بپذیریم ضمایر متصل و کسره‌ی اضافه و افعال اسنادی جزء تکواژهای آزاد دستوری اند. چون تعداد آن‌ها محدود و مورد استفاده‌ی آن‌ها زیاد است. از آنجایی که این مقاله سعی بر این دارد که جایگاه ضمایر متصل را در دسته‌بندی انواع تکواژ مشخص کند، باید دید آیا ضمایر متصل جزء تکواژهای آزاد است یا وابسته؟ و این نوع ضمایر قاموسی اند یا دستوری؟ اینک برای توضیح بیش‌تر دلایل ناخودایستایی ضمیر را بررسی می‌کنیم.

الف) این ضمایر در زبان فارسی از جهت ساختاری وابسته‌ی تکواژ یا واژه‌ی قبل از خود هستند.

ب) هیچ حرف اضافه یا حرف نشانه‌ای نمی‌تواند پیش یا پس از آن‌ها بیاید.

ج) هیچ مکث کوتاهی در گفتار یا نوشتارشان اتفاق نمی‌افتد.

با توجه به این دلایل ظاهرآمی توان ادعا کرد که ضمایر متصل در زبان فارسی تکواژهای وابسته‌ی دستوری اند. اما آیا این دلایل قانع‌کننده است و آیا صرفاً با پذیرفتن آن‌ها می‌توان حکم صادر کرد که ضمایر متصل در زبان فارسی جزء تکواژهای وابسته‌ی دستوری اند؟

استدلالی که کتاب «راهبردهای یاددهی-یادگیری»، ص ۴۵ به بعد، با توجه به آگاهی کامل از ناخودایستایی ضمیر، آورده است نیز قابل تأمل است. کتاب مذکور این نوع ضمایر را یک واژه می‌داند و دلیل محکمش این است که این ضمایر در محور جانشینی جانشین یک واژه می‌شوند، هر چند هیچ‌یک از دستورنویسان به آن اشاره‌ای نکرده‌اند. بنابراین برای اثبات واژه بودن ضمیر متصل و قرار گرفتن آن در دسته‌ی تکواژهای آزاد قاموسی به ذکر دلایل زیر می‌پردازیم.

۱- این ضمایر در محور جانشینی، جانشین یک واژه می‌شوند. پس جانشین واژه قطعاً خود یک واژه است و واژه لزوماً یک تکواژ آزاد است نه وابسته.

۲- ضمایر از جهت ساختاری مستقل نیستند، اما از جهت معنا مستقل اند و هسته‌ی معنایی دارند. بنابراین، در ترکیب «کتابش» لزوماً «ش» جای اسمی آمده که واژه‌ی قاموسی و معنادار است.

۳- هر زبانی را باید با مقیاس زبان‌شناسی همان زبان سنجید. اگر زبان فارسی را با مقیاس زبان‌شناسی انگلیسی بسنجیم جای قید و شبه‌جمله‌ها مشخص نمی‌شود، درحالی‌که این نوع کلمات به نظر می‌آید جزء تکواژهای آزاد قاموسی باشند.

۴- برای مثال «جورج یول» در تقسیم‌بندی تکواژهای آزاد، آن‌ها را به دو دسته‌ی «واژگانی» و «نقش‌نما» طبقه‌بندی می‌کند. در این تقسیم‌بندی اسم، صفت و فعل تکواژهای آزاد و واژگانی هستند و نمونه‌هایی مثل:

Near, above, in, the, that, it, and, but

که معمولاً حروف ربط، اضافه، تعریف و ضمایر را تشکیل می‌دهند جزء تکواژه‌های نقش‌نما هستند، درحالی‌که در زبان فارسی تکواژهای *near* و *above* طبق تقسیم‌بندی جورج یول باید جزء تکواژهای آزاد واژگانی باشند. پس نمی‌توان گفت قواعد هر زبان حتی برای خود آن زبان صددرصد صادق باشد.

هر چند پذیرش این امر، که ضمایر متصل جزء تکواژهای آزاد قاموسی اند با تعریف تکواژ قاموسی در تضاد است، اما چاره‌ای جز این نیست که بپذیریم این تکواژها در تعریف جامع و مانع تکواژ قاموسی قرار نمی‌گیرند و معمولاً آن‌چه را در تعریف نمی‌گنجد می‌توان به عنوان استثنا پذیرفت.

پس ضمایر متصل جزء تکواژهای آزادند، چون می‌توانند جانشین اسمی شوند و قاموسی اند چون هسته معنایی دارند و واژه‌ی مستقل هستند چون دارای مفهوم مستقل اند. هر چند به ظاهر از نظر ساختار غیر مستقل اند.

تپانوس

۱. تقسیم‌بندی دیگری که فرشته مؤمنی در کتاب خود آورده است نیز جالب توجه است. ایشان در تقسیم انواع تکواژ وابسته به سه دسته اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- اشتقاقی، ۲- تصریفی، ۳- نحوی و اصطلاح واژه‌بست را برای تکواژهای وابسته نحوی می‌آورد. بنابراین ندا در خدایا، الف «ش» در کتابش، «ی» نکره، کسره «ی» اضافه، ضمایر متصل و مخفف فعل ربطی از انواع تکواژهای وابسته‌ی نحوی اند و اغلب حالت‌دهنده هستند. هر چند این تقسیم‌بندی جزئی‌تر است و از آنجا که اساس کار دبیرستان نیست از بحث بیش‌تر درباره‌ی آن خودداری می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. اکبری، فریدون و دیگران، کتاب معلم، راهنمایی تدریس زبان فارسی (۱)، ناشر شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۸۰
۲. حق‌شناس، علی‌محمد و دیگران، زبان فارسی (۳)، سال سوم آموزش متوسطه، چاپ ۱۳۸۳
۳. صمرانی، غلامرضا، هامون، سبطی، زبان فارسی، راهبردهای یاددهی-یادگیری انتشارات اندیشه‌سازان، چاپ ۱۳۸۱
۴. غلامعلی‌زاده، خسرو، ساخت زبان فارسی، احیای کتاب، ۱۳۷۴
۵. فالو، واجرو دیگران، زبان‌شناسی و نقد ادبی، ترجمه‌ی مریم خوزان، حسین پاینده، نشر نی، چاپ ۱۳۶۹
۶. فرامگین، ویکتوریا و دیگران، درآمدی بر زبان‌شناسی همگانی، ترجمه‌ی علی بهرامی، نشر رهنما، چاپ ۱۳۷۶
۷. مؤمنی، فرشته، دستور زبان فارسی (۱) درس‌نامه‌ی دانشگاهی، دانشگاه آزاد نوشهر، چاپ اول
۸. نجفی، ابوالحسن، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، انتشارات تلو، چاپ ۱۳۷۴
۹. یول، جورج، نگاهی به زبان، ترجمه‌ی نسرين حیدری، انتشارات سمت، چاپ ۱۳۷۴